

دفترچه

 @DAFTARCHEH-TCH

دفترچه ای برای یادداشت، بایگانی و به اشتراک گذاری هر آنچه که ارزشمند است.

«وقتی موبدها (روحانیون زرتشتی) از روی اسلام کپی برداری می کنند!»

با استناد به پروفیسور کریستین سن

بسم الله الرحمن الرحيم

گاهی می بینیم جریانات باستان‌نگرای اسلام ستیز به جهت وجود تشابهاتی در یک سری موضوعات همچون ماجرای خلسه ویراف و پل صراط و... ادعا می کنند تمام ادیان ابراهیمی همچنین اسلام از آیین زرتشت تقلید کرده اند!

در طول تاریخ دین زرتشت بارهای بار توسط موبدان (روحانیون زرتشتی) آپدیت و بروز رسانی شده است و یکی از مهمترین این آپدیت ها زمانی رخ داد که اسلام وارد ایران شد. موبدان زرتشتی پس از مشاهده اسلام آوردن ایرانیان و خرده گرفتن آنها به عقاید زشت و خلاف عقل دین زرتشت، بسیاری از خرافات و این احکامات را از اوستا حذف کردند.

پروفیسور کریستین سن، ایران شناس و تاریخ نگار مشهور دانمارکی نوشته است:

«قرآینی در دست داریم، که از روی آن می توان گفت شریعت زردشتی در قرن نخستین تسلط عرب تا حدی اصلاح شده و تغییر پیدا کرده است و زردشتیان خود مایل بوده اند، که بعضی از افسانه ها و اساطیر عامی و بعضی از اعتقاداتی را که در فصول اوستا ثبت شده بود، حذف کنند.»^۱

زمانی به این موضوع عادی و پیش پا افتاده نگاه خواهیم کرد که بدانیم تا همین چند سال پیش و حتی شاید بتوان گفت در همین زمان ما هم موارد مهمی بوده که دیگر توسط خود زرتشتیان منسوخ و تقریباً به فراموشی سپرده شده اند.

مواردی همچون درون دخمه گذاری مردگان و طعمه سگان لاشخور و کرکس ها کردن آنها و رسم استحمام با «گُمیز» (ادرار گاو، گوسفند و انسان) و نوشیدن «نیرنگ» (ادرار گاو که طی مراسمی خاص تهیه می شده است) که در سال ۱۳۵۰ (دوره پهلوی) برچیده شد اگرچه که هم اکنون هم به گفته خانم دکتر کتابون مزداپور که اصالتاً متولد یزد و زرتشتی هستند، در میان زرتشتیان (پارسیان) هند مرسوم و متداول است و باز به قول خود خانم دکتر مزداپور «این نام و این رسم ها را امروزه بچه ها نمی شناسند».^۲

پروفیسور کریستین سن در پاورقی نقل قولی که از ایشان بازگو شد هدف اصلی از آن تغییرات در آیین زرتشتی را می نویسد:

«به عقیده نیبرگ (دین، ص ۱۴-۸ و ۲۹-۴۲۶) اوستا در مدارس دینی همیشه سینه به سینه حفظ می شده و تدوین قوانین اوستایی در اثر رقابت ادیان خارجی (دین یهود، مسیحی، بخصوص مانوی) صورت گرفته است، که دارای کتب مقدس بوده اند، ولی این اوستای مدون عملاً هرگز اهمیتی نداشته است و به همین علت هم بعدها بعضی نسک های ساسانی فراموش شده.»^۳

بنابراین برعکس ادعای جریانات اسلام ستیز که هدفشان مخدوش کردن چهره وحی و شریعت آسمانی اسلام است، نه تنها این اسلام نبوده که کپی برداری کرده بلکه خود زرتشتیان علاوه بر تقلید، بخش هایی مهم از اعتقادات و احکام خود را به لحاظ زشتی ای که دارا بودند و در جهت مقابله فکری با اسلام و دیگر ادیان حذف کرده یا تغییر داده اند و این شریعتی که (با تمام ایرادات عقیدتی و فقهی مخالف فطرت و عقل بشر همچون اعتقاد به دوگانگی و چندگانگی خدایان در برابر یکتاپرستی، ازدواج با محارم و مشروعیت بنگ و حشیش و...) امروزه ما به عنوان دین زرتشتی می شناسیم اصل و تمام دین و اعتقادی نیست که در زمان های پیشین بر قرار بوده است. در حقیقت محصول کوشش فوق العاده و فرآوری شده موبدها در مقابل اسلام است.

پروفسور کریستین سن:

«ما دین زرتشتی را از دو طریق مختلف می شناسیم، یکی از راه اوستای فعلی و کتب دینی پهلوی، که بعد از ساسانیان به رشته تحریر آمده است، دیگر از راه کتب اجانب، که راجع به این شریعت در زمان ساسانیان مطالبی نوشته اند. این دو طریق با هم تفاوت هایی دارند، ولی از مطالب مذکور سبب اختلاف آنان را در می یابیم.

شریعت زردشتی، که در زمان ساسانیان دین رسمی کشور محسوب می شد، مبتنی بر اصولی بود، که در پایان این عهد بکلی میان تهی و بی مغز شده بود. انحطاط قطعی و ناگزیر بود.

هنگامی که غلبه اسلام دولت ساسانی را، که پشتیبان روحانیان بود واژگون کرد، روحانیون دریافتند، که باید کوشش فوق العاده برای حفظ شریعت خود از انحلال بنمایند. این کوشش صورت گرفت.

عقیده به زروان و اساطیر کودکانه را، که به آن تعلق داشت، دور انداختند و آیین مزدیسنی را، بدون شائبه زروان پرستی، مجدداً سنت قرار دادند. در نتیجه قصصی که راجع به تکوین جهان در میان بود، تبدیل یافت. پرستش خورشید را ملغی کردند، تا توحید شریعت اوهرمزدی بهتر نمایان باشد، مقام میتر (مهر) را طوری قرار دادند، که موافق با مهر یشت عتیق باشد. بسی از روایات دینی را یا بکلی حذف کردند یا تغییر دادند و بخش هایی از اوستای ساسانی و تفاسیر آن را، که آلوده به افکار زروانیه شده بود، در طاق نسیان نهادند، یا از میان بردند. این نکته قابل توجه است که یشت های مربوط به تکوین که خلاصه آنها در دینکرد باقی مانده، به قدری تحلیل رفته است، که چند سطری بیش نیست، و از آن هم چیزی مفهوم نمی شود.

همه این تغییرات در قرون تاریک بعد از انقراض ساسانیان واقع شده است. در هیچ یک از کتب پارسی اشاره بدین اصلاحات نرفته است.

این شریعت اصلاح شده زرتشتی را چنان وانمود کرده اند که همان شریعتی است که در همه ازمه سابق برقرار بوده است.^۴

علاوه بر این که ادعای کپی برداری اسلام از آیین زرتشت جاهلان و کذب محض است، مطالب بالا خود دلیل محکم دیگری است بر واهی و باطل بودن افسانه کتابسوزی و اجبار ایرانیان به ترک آیین گذشته آباء و اجدادی شان و پذیرش دین اسلام که این جریانات به اسلام و مسلمانان نسبت می دهند.

و در خاتمه یکی از دلایل و علت های اصلی رها شدن و نابودی منابع دینی زرتشتی بعد از آن همه به قول پروفیسور «کوشش فوق العاده» موبدها در جلوگیری از انحلال این آیین، بعد از فتح اسلامی ایران، افزون بر گرایش ایرانیان به اسلام، مشکلات مادی طبقه اشرافی روحانی این دین بود که پیش از اسلام از طریق حکومت های وقت (به ویژه ساسانیان) و از جیب مردم تغذیه می کردند.

پروفیسور کریستین سن:

«گاهی شخص به فکر می افتد، که چرا قسمت بیشتر اوستای ساسانی، در ازمه اسلامی نابود شده است.

می دانم، که مسلمانان زردشتیان را اهل کتاب می شمرده اند، بنابراین نابود شدن کتب مقدس آن طایفه را نمی توان به تعصب اسلامیان منسوب کرد و چنانکه دیدیم بیشتر قسمت های اوستای ساسانی در قرن نهم میلادی هنوز موجود بوده، یا لاقلاً ترجمه پهلوی آنها بانضمام تفسیر معروف بزند را در دست داشته اند.

مسلماً صعوبت زندگانی مادی، که در آن تاریخ گریبان گیر زردشتیان شده بود، مجال نمی داد که نسلا بعد نسل این مجموعه بزرگ مقدس را رونویس کنند و از اینجا پی می بریم، که چرا نسک های حقوقی و نظایر آن در طاق نسیان مانده است، زیرا که در آن زمان دولت زردشتی وجود نداشت و نسک های حقوقی بی فایده و خالی از اهمیت و اعتبار می نمود.^۵

دوشنبه، ۲۸ خرداد ۱۴۰۳

حسین عمرزاده

کنال دفتر

منابع:

(۱): کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، دنیای کتاب ۱۳۶۸، ص ۲۰۸-۲۰۹

(۲): کتابیون مزداپور، شمع و لنگری، به کوشش ویدا نداف، هیرمبا، ص ۳۵

(۳): کریستین سن، ایران در زمان ساسانیان، رشید یاسمی، دنیای کتاب ۱۳۳۸، پاورقی ص ۲۰۹

(۴): همان، ص ۵۷۱

(۵): همان، ص ۲۰۸



ایران در زمان ساسانیان ۲۰۸

زبان اوستایی نوشته شده، ظاهراً اثر قلم اشخاصی است، که در تدوین اوستای ساسانی دست داشته‌اند و نیز احتمال می‌توان داد، که قبل از تدوین اوستای ساسانی، بعضی از کتب مزبور بزبان پهلوی موجود بوده و در آن تاریخ بزبان اوستایی نقل و در کتاب مقدس درج گردیده باشد.^۱

خلاصه نسل‌های اوستا، که در دینکرد دیده می‌شود، از حیث تفصیل بسیار مختلف است. دینکرد اطلاعات مبسوطی راجع به نسل‌های حقوقی بدست می‌دهد، ولی نسل‌هایی را که مربوط به علم مبداء و معاد و تکوین است، در چند کلمه خلاصه می‌کند.

گاهی شخص بکر می‌آید، که چرا قسمت بیشتر اوستای ساسانی، در ازمنه اسلامی نابود شده‌است. میدانم، که مسلمانان زردشتیان را اهل کتاب می‌شمرده‌اند، بنابراین نابود شدن کتب مقدس آن طایفه را نمی‌توان به نصیب اصلاحیان منسوب کرد و چنانکه دیدیم بیشتر قسمت‌های اوستای ساسانی در قرن نهم میلادی هنوز موجود بوده، یا لاقلاً ترجمه پهلوی آنها با تفصیل تفسیر معروف برند را در دست داشته‌اند. مسلماً صعوبت زندگانی مادی، که در آن تاریخ گریبان گیر زردشتیان شده بود، مجال نمیداد که نسل بعد نسل این مجموعه بزرگ مقدس را رونویس کنند و از اینجا بی‌میریم، که چرا نسل‌های حقوقی و نظائر آن در طاق نسیان مانده است، زیرا که در آن زمان دولت زردشتی وجود نداشت و نسل‌های حقوقی بی‌فایده و خالی از اهمیت و اعتبار می‌نمود. اما چرا نسل‌هایی را که شامل علم مبداء و معاد و تکوین و سایر علوم اساسی بود، حفظ نکردند؟ قرآنی در دست داریم، که از روی آن می‌توان گفت شریعت زردشتی در قرن نخستین تسلط عرب تاحدی اصلاح شده و تغییر پیدا کرده است و زردشتیان خود مایل بوده‌اند، که بعضی از اسانها و اساطیر علمی و بعضی از اعتقاداتی را که، در فصول اوستا ثبت شده بود، حذف

۱- داد نیرنگه، میله آسپاهی، ۱۹۳۱، ص ۶۶۴.

۲۰۹

آیین زردشتی دین رسمی کنود

کنند. راجع باین مطلب در آخر فصل هشتم این کتاب تفصیلی خواهیم آورد. در هر حال اگر قواعد مذهبی اوستای کنونی و کتب الهیات پهلوی را، که فعلاً در دست است، باطلعات پراکنده و اشارات مختصری، که راجع به دین ایرانیان عهد ساسانی در آثار مؤلفان خارجی (از ییزانسی و سربانی و ارمنی) موجود است، مقایسه و مطابقت کنیم، اختلافات عجیبی می‌بینیم و این اختلافات بیشتر مربوط به نفس و اساطیر و علم تکوین است.

در مطالعه روایاتی که از منابع نصرانی در دست است، بیش از هر چیز یک نکته جلب توجه میکند و آن «مطابقتی است، که خورشید در آیین مزدیسنی ساسانیان دارا بوده‌است. بزرگ‌کرد دوم باین عبارت سو گند یاد میکند:

«قسم با آفتاب، خدای بزرگه، که از پرتو خویش جهان را منور و از حرارت خود جمیع کائنات را گرم کرده است»^۱. و این پادشاه ساسانیان بار سو گند آفتاب را تکرار کرده است^۲ و قتی که روحانیون عیسوی رایتزک آیین خود و داشتند، شرط کردند که بجای معبود سابق خود خورشید را بپرستند و این نکته در رسائل شهیدی سربانی بکرات تصریح شده‌است. شاهپور دوم به سیمون برصمی^۳ قول داد، که برجان او پیشنهاد، بشرط آنکه آفتاب را ستایش کند^۴. در زمانیکه پامپیزگرد

۱- عقیده نیرنگه (دین ص ۱۳۸-۲۱۶-۲۴۴) اوستا در عهداری دینی همیشه سینه می‌بست. حفظ می‌شده و تدوین قوانین اوستایی در دارا داریت ایدان خارجی (دین پهلوی) سیمون، پطرس ماریی) صورت گرفته است، که دارای کتب مقدس بوده‌اند ولی این اوستای بدون حلا هرگز اهدایی نداشتند است و همین علت هم بعضی نسل‌های ساسانی فراموش شده.

۲- ایزد، لا انگوار، ص ۲۳، ۱۹۲۷.

۳- آفتاب، ص ۱۹۸.

۴- Barsabbae

۵- لاورد، ص ۱۶۵. مقایسه خود با زرومن Soromen کتاب ۲، ص ۹۰، قمره ۵۵ که فرود فرانس در جمله کتاب، شماره ۱۴، ص ۱۰۲، نقل آن پرداخته‌است.

۵۷۱ خسرو انوشیروان

مردمان و یکی از بزرگترین متفکران آن قری است، که پس از آن دولت ساسانی مهتم و متفرض گردید.

ما دین زردشتی را از دو طریق مختلف می‌شناسیم، یکی از راه اوستای فعلی و کتب دینی پهلوی، که بعد از ساسانیان برشته تحریر آمده است، دیگر از راه کتب اجانب، که راجع باین شریعت در زمان ساسانیان مطالبی نوشته‌اند. این دو طریق با هم تفاوت‌هایی دارند و ولی از مطالب مذکور سبب اختلاف آنان را در می‌یابیم^۱.

شریعت زردشتی، که در زمان ساسانیان دین رسمی کشور محسوب میشد، مبتنی بر اصولی بود، که در پایان این عهد بکلی میان نهد و بی مغز شده بود. انحطاط فطری و ناگزیر بود. هنگامی که غلبه اسلام دولت ساسانی را، که پشتیبان روحانیان بود، از گون کرده، روحانیون در یافتند، که باید کوشش فوق‌العاده برای حفظ شریعت خود از انحلال نام بنمایند. این کوشش صورت گرفت. عقیده بزروان و اساطیر کوردانه را، که با آن تعلق داشت، دور انداختند و آیین مزدیسنی را، بدون شایبه زروان پرستی، مجدداً سنت قرار دادند. در نتیجه قصصی که راجع به تکوین جهان در میان بود، تبدیل یافت. پرستش خورشید را ملغی کردند، تا تسوید شریعت او هر مسزودی بهتر نمایان باشد، مقام میتر (مهر) را طوری فرار دادند، که موافق با مهریشت عتیق باشد. بسی از روایات دینی را با بکلی حذف کردند یا تغییر دادند و بخش‌هایی از اوستای ساسانی و تفاسیر آن را، که آلوده با فکار زروانیه شده بودند، در طاق نسیان نهادند، یا از میان بردند. این نکته قابل توجه است که پشت‌های مربوط به تکوین که خلاصه آن‌ها در دینکرد باقی مانده، به‌ندری تحلیل رفته است، که چند سطریش پیش نیست، و از آن هم چیزی مفهوم نمیشود. همه این تغییرات در فصول تاریخ بعد از انقراض ساسانیان واقع شده است. در هیچیک از کتب پارسی اشاره بدین اصلاحات نرفته است. این شریعت اصلاح شده زردشتی را چنان وانمود کرده‌اند، که همان شریعتی است، که در همه‌ارمنه سابق برقرار بوده است.

۱- ... ص ۱۶۳ و ۱۶۴.